

اولویت‌بندی بخش‌های اقتصادی استان خراسان جنوبی با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)

سیدمهدی رمضانی

دکترای حسابداری، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

rsayedmehdi@yahoo.com

میثم حاجی‌پور

کارشناس ارشد حسابداری

meysam.hajipoor@yahoo.com

محمد بهروزی

دانشجوی دکترای مدیریت توسعه تطبیقی دانشگاه آزاد واحد کرمان

behroozimohammad@yahoo.com

استان خراسان جنوبی جزو استان‌هایی است که علیرغم دارا بودن قابلیت‌ها و پتانسیل‌های گوناگون و به‌رغم اجرای سیاست‌های توسعه‌ای مختلف هنوز دچار توسعه‌نیافتگی در برخی ابعاد به‌ویژه در زمینه اقتصادی می‌باشد. عدم شناخت دقیق از بخش‌های اقتصادی اولویت‌دار استان و ظرفیت‌های رشد آنها موجب گردیده که سرمایه، امکانات، حمایت‌ها و سیاستگذاری‌های توسعه‌ای استان به‌درستی در بخش‌های واجد اولویت و دارای قابلیت رشد متمرکز نگردد که این موضوع موجب از دست رفتن فرصت‌های توسعه استان گردیده است. بنابراین، شناخت بخش مزیت‌دار استان برای تمرکز اقدامات حمایتی و مدیریت بهینه منابع اقتصادی و ارتقای کارایی اقتصادی جزو مهم‌ترین نیازهای استان جهت دستیابی به اهداف توسعه‌ای آن است. در این تحقیق با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (AHP) بخش‌های اقتصادی استان خراسان جنوبی از منظر پنج معیار کمی ارزش‌افزوده، بهره‌وری، مزیت‌نسبی، اشتغال و مصرف واسطه و پنج معیار کیفی که عبارتند از نقش بخش موردنظر در فضای مطلوب کسب‌وکار، توسعه بخش تعاون و ارتقای سهم آن در اقتصاد، تأمین امنیت پایدار، بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی-اقلیمی و منطقه‌ای استان و ایجاد و توسعه زنجیره تولید ارزش اولویت‌بندی گردیدند. جامعه آماری شامل تمام مدیران و کارشناسان اقتصادی استان، خبرگان و اساتید دانشگاهی، فعالان و کارآفرینان بخش‌های اقتصادی استان می‌باشند که با توجه به آمارهای موجود حجم تقریبی آن مشخص است و با استفاده از جدول مورگان ۱۸۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب گردیدند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بخش کشاورزی حائز اولویت بیشتری از نظر معیارهای مورد بررسی می‌باشد و بخش‌های صنعت و خدمات و بازرگانی در رتبه‌های بعد قرار دارند. همچنین از میان معیارهای مورد بررسی، سه معیار فضای مطلوب کسب‌وکار، میزان اشتغال و تأمین امنیت پایدار بیشترین نقش را در دستیابی به هدف پژوهش دارا می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: اولویت‌بندی، استان خراسان جنوبی، بخش‌های اقتصادی، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP).

۱. مقدمه

استان خراسان جنوبی جزو استان‌هایی است که علیرغم دارا بودن قابلیت‌ها و پتانسیل‌های گوناگون و به‌رغم اجرای سیاست‌های توسعه‌ای مختلف، هنوز به سطح توسعه‌یافتگی در بسیاری از ابعاد به‌ویژه در زمینه اقتصادی نرسیده است؛ بنابراین سیاست‌های به‌کار گرفته شده یا سیاست‌هایی نادرست بوده یا آنچنان بلندپروازانه بوده‌اند که دستیابی به اهداف آنها با در نظر گرفتن شرایط استان مقدور نبوده است. عدم دستیابی به بخش عمده‌ای از اهداف برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در استان، خود شاهدی بر صدق این مدعاست. اثربخشی و کارایی، الزامات برنامه‌های توسعه می‌باشند اثربخشی ناظر به تحقق اهداف استراتژیک و کارایی تخصیص بهینه منابع برای این منظور می‌باشد. تخصیص بهینه منابع مهم‌ترین رویکرد مدیریت منابع کمیاب می‌باشد.

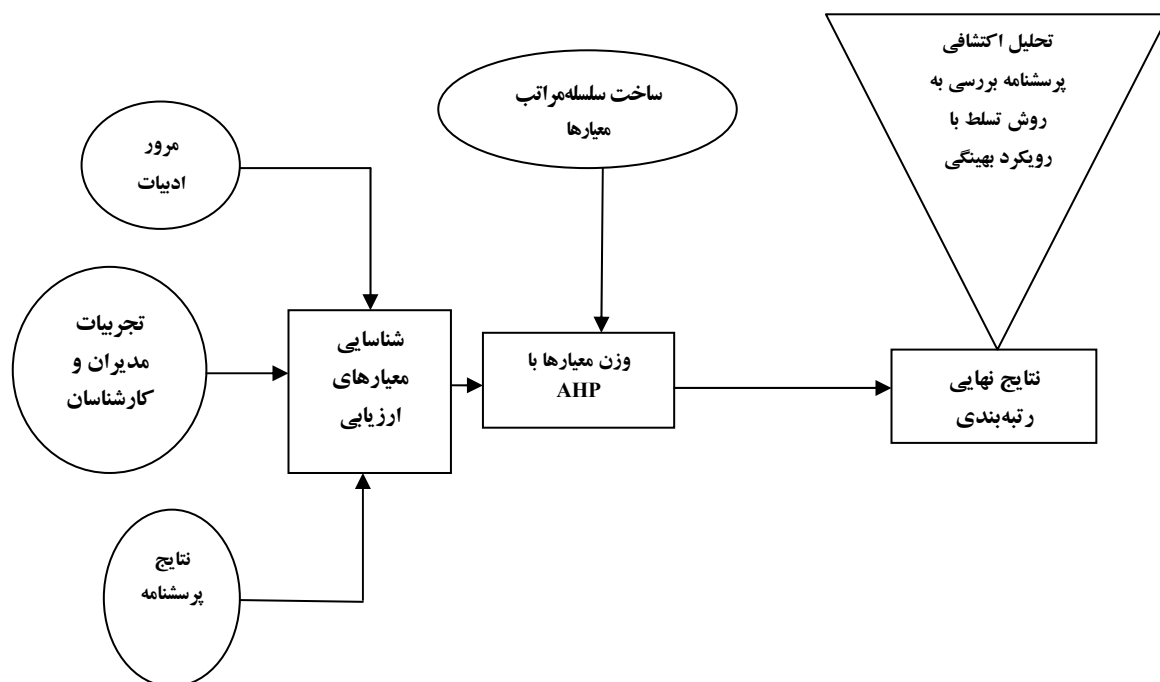
با توجه به تازه‌تأسیس بودن استان خراسان جنوبی از یک سو و اهمیت شناخت دقیق و علمی بخش دارای مزیت و اولویت جهت سیاستگذاری صحیح اقتصادی از سوی دیگر، متأسفانه عدم مطالعه در این زمینه و در نتیجه نبود شناخت دقیق از ظرفیت‌های رشد هر یک از بخش‌های اقتصادی موجب گردیده که سرمایه، امکانات، حمایت‌ها و سیاستگذاری‌های توسعه‌ای استان به‌درستی در بخش‌های واجد اولویت و دارای قابلیت رشد متمرکز نگردد که این موضوع باعث از دست رفتن فرصت‌های توسعه استان گردیده است. همچنین، برخی سیاستگذاری‌های نادرست و نیز ایجاد اهداف غیرقابل دسترس در شماری دیگر نیز موجب کندی بیشتر سیر رشد و توسعه استان شده است. اولویت‌بندی نیازهای توسعه استان با استفاده از روش‌هایی که می‌تواند نگرش و دیدگاه مدیران و برنامه‌ریزان و سیاستگذاران استانی که خط‌مشی‌های توسعه را در استان اجرا می‌نمایند و یا تصمیم‌سازی‌های توسعه را شکل می‌دهند، قادر است بخش مهمی از الزامات مورد نیاز در مسیر توسعه استان را محقق سازد.

این تحقیق از لحاظ جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از نوع توصیفی-پیمایشی است که در آن دو پرسشنامه در اختیار افراد نمونه قرار می‌گیرد. در پرسشنامه نخست، افراد ترجیحات خود را بین بخش‌های اقتصادی استان و در پرسشنامه دوم، ترجیحات خود را بین معیارهای احصاء شده جهت اولویت‌بندی این بخش‌ها بیان می‌نمایند. برای امتیازدهی معمولاً از مقیاس ۹ درجه ساعتی استفاده می‌شود که در این پژوهش جهت سهولت کار از طیف ۵ درجه‌ای (با حذف مقادیر بینابینی ۲، ۴، ۶ و ۸) استفاده شده که نتایج یکسانی به‌دست می‌دهد. پس از تعیین وزن هر یک از معیارها، در گام بعد گزینه‌ها به‌صورت زوجی بر اساس هر معیار مقایسه می‌شوند. پس از اینکه مقایسه‌ها انجام شد، داده‌ها به ماتریس مقایسه زوجی منتقل می‌شود. پس از نرمال کردن، وزن هر گزینه براساس معیار مورد نظر به‌دست می‌آید. سپس نتایج پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزارهای Expert Choice و SPSS تحلیل شده و روایی

پرسشنامه از طریق مراجعه به خبرگان مورد بررسی قرار گرفته و تأیید گردید. همچنین پایایی آن به روش آلفای کرونباخ معادل ۰/۷ محاسبه گردید که نشان از پایا بودن پرسشنامه دارد.

۲. روش و فرایند تحقیق

پرسش اصلی در این پژوهش، اولویت‌بندی بخش‌های اقتصادی استان بوده که سطح هدف را در درخت سلسله‌مراتبی تشکیل می‌دهد. در دومین سطح درخت سلسله‌مراتبی معیارهایی که بر اساس آنها هدف فوق محقق می‌شود، به دو دسته کلی معیارهای کمی و کیفی تقسیم‌بندی می‌شوند. در سطح سوم، با استفاده از نظر متخصصین و افراد خبره در زمینه موضوع، پنج متغیر از نوع کمی (میزان ارزش افزوده، اشتغال ایجاد شده، بهره‌وری عوامل تولید، مزیت نسبی و مصرف واسطه هر بخش) و پنج متغیر دیگر از نوع کیفی (نقش بخش موردنظر در فضای مطلوب کسب و کار، توسعه بخش تعاون و ارتقای سهم آن در اقتصاد، تأمین امنیت پایدار، بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی-اقلیمی و منطقه‌ای استان و ایجاد و توسعه زنجیره تولید ارزش) تعیین گردیدند. در نهایت، آخرین سطح سلسله‌مراتبی یعنی جایگزین‌ها تشکیل گردید که پنج بخش اقتصادی کشاورزی، خدمات و بازرگانی، حمل و نقل، صنعت و معدن را شامل شده و هدف از این پژوهش تعیین بخش اولویت‌دار در استان خراسان جنوبی می‌باشد. نمودار (۱) فرایند انجام این پژوهش را نمایش می‌دهد.



نمودار ۱. مدل انتزاعی فرایند انجام پژوهش

۳. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری در این پژوهش شامل تمام مدیران و کارشناسان اقتصادی استان، خبرگان و اساتید دانشگاهی، فعالان و کارآفرینان بخش‌های اقتصادی استان می‌باشند که با توجه به آخرین آمارهای موجود در سالنامه آماری استان حجم تقریبی آن مشخص شد و با استفاده از جدول مورگان ۱۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. روش نمونه‌گیری این تحقیق از نوع خوشه‌ای-سیستماتیک می‌باشد؛ به طوری که جامعه آماری بر اساس زمینه فعالیت در بخش‌های مختلف اقتصادی به پنج دسته تقسیم گردیدند (زمینه‌های کشاورزی، صنعت، معدن، خدمات و بازرگانی و حمل و نقل و ارتباطات) سپس از هر دسته ۳۶ نفر به طور تصادفی انتخاب و پس از ارائه توضیحات لازم پیرامون نحوه تکمیل پرسشنامه، نسبت به پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق اقدام نمودند و در انتها ۱۸۰ پرسشنامه تکمیل شده جمع‌آوری گردید.

۴. پیشینه تحقیق

مطالعات و تحقیقات مشابهی که در انجام این پژوهش مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، به شرح ذیل می‌باشد: چو و لی (۲۰۱۳)، طی مطالعه‌ای تحت عنوان "توسعه مدل ارزیابی محصولات با فناوری جدید برای ارزیابی فرصت‌های تجاری با استفاده از روش دلفی و رویکرد تحلیل سلسله‌مراتبی فازی" به مطالعه عوامل موفقیت برای تجاری‌سازی محصولات جدید و طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل آن می‌پردازند و عواملی که می‌بایست در درجه اول اهمیت در نظر گرفته شود را مشخص می‌سازند. این مقاله در واقع طرح‌های ارزیابی توسعه محصولات جدید را به همراه کاربردهای عملی در مورد تجاری‌سازی آنها مورد مطالعه قرار می‌دهد.

آندر و دوگان (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای به رتبه‌بندی استراتژی‌های مدیریت منابع انسانی در طول دوره بحران اقتصادی با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی پرداختند. طبق نتایج به دست آمده استراتژی افزایش تطبیق سازمانی با بالاترین وزن در اولویت قرار داشت و استراتژی کاهش منابع با کمترین وزن دارای پایین‌ترین اولویت بود.

مریام نوری (۲۰۰۸)، در پژوهشی تحت عنوان "اندازه‌گیری توسعه پایدار"، نتایج حاصل از یک تحلیل در ۸ بعد توسعه پایدار را در فرانسه با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی مورد مطالعه قرار داده است. وی بر این واقعیت تأکید می‌کند که هیچ شاخصی کامل نیست و هیچ کس نمی‌تواند در مورد توسعه پایدار نظر جامعی بدهد و با توجه به این تحقیق، شاخص‌ها نتایج مختلفی را نشان می‌دهند و به نظر وی طی سال مورد بررسی حرکت فرانسه به سمت توسعه پایدار روند کندی داشته است.

باهتیا و رای (۲۰۰۴)، در پژوهشی با استفاده از ۲۳ شاخص، به کمک روش‌های تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به تعیین سطح توسعه ۳۸۰ بلوک در ۳۲ منطقه از هند پرداختند. نتایج به‌دست آمده حاکی است که ۵۶ بلوک توسعه‌یافته، ۱۵۶ بلوک نسبتاً توسعه‌یافته، ۱۱۶ بلوک کمتر توسعه‌یافته و ۵۲ بلوک توسعه‌نیافته معرفی شده‌اند.

رضایی (۱۳۹۲)، در تحقیقی تحت‌عنوان "ارزیابی تاب‌آوری اقتصادی و نهادی جوامع شهری در برابر سوانح طبیعی" به مطالعه موردی زلزله محله‌های شهر تهران پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که از میان شاخص‌های مورد مطالعه، شاخص میزان خسارت با وزن ۰/۳۸۳ و شاخص ظرفیت جبران خسارت با وزن ۰/۲۸۱ از بعد اقتصادی دارای بیشترین اهمیت هستند. همچنین، اولویت‌بندی نهایی محله‌های مورد مطالعه نشان داد که محله‌های قیطریه، ستارخان، نارمک و قلعه‌مرغی از نظر شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی و نهادی به‌ترتیب در رتبه‌های اول تا چهارم قرار دارند.

پریزادی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت‌عنوان "بررسی و تحلیل قابلیت‌های مزایای نسبی توسعه منطقه‌ای در بنادر شمال ایران با استفاده از تلفیق تکنیک‌های TOPSIS و ELECTRE و با هدف ارزیابی، شناخت و تحلیل امکانات و توانمندی‌های جغرافیایی بنادر دریای خزر به‌منظور توسعه این منطقه، پس از بررسی‌های کلی و مقایسه معیارها، از میان بنادر شمال کشور که در محدوده دریای خزر واقع شده‌اند؛ دریافتند که بندر انزلی در میان سه بندری که به‌منظور انجام پژوهش انتخاب شده بودند (نوشهر و امیرآباد در استان مازندران و انزلی در استان گیلان) در مرتبه نخست اهمیت به لحاظ معیارهای مورد بررسی قرار گرفته است.

تقوایی و بای (۱۳۹۱)، طی پژوهشی به سنجش میزان بهره‌مندی شهرستان‌های استان گلستان با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی پرداختند. در این پژوهش معیارهای کشاورزی و دامپروری، حمل‌ونقل، خدمات، صنعت و معدن، ساختمانی و عمرانی و جمعیت جهت سنجش میزان بهره‌مندی شهرستان‌های مذکور انتخاب شدند که بر اساس نتایج به‌دست آمده، شهرستان گرگان با ضریب بهره‌مندی ۱۰/۸۹ رتبه اول و شهرستان بندرگز با ضریب بهره‌مندی ۲/۲۸ رتبه یازدهم را به‌دست آورد. با درجه‌بندی این ضرایب، پنج منطقه با بهره‌مندی بسیار زیاد، بهره‌مندی زیاد، بهره‌مندی متوسط، بهره‌مندی کم و بهره‌مندی بسیار کم مشخص گردیدند. در انتها با تعمیم این ضرایب به نقشه شهرستان‌های متناظر، نقشه میزان بهره‌مندی شهرستان‌ها و مناطق استان گلستان حاصل شد و با توجه به پتانسیل‌ها و نقاط ضعف هر کدام از این مناطق، اهدافی در چهار سطح برای بهره‌مندی بیشتر شهرستان‌های استان گلستان تعیین گردید.

عاملی و صادقی‌شاهدانی (۱۳۹۱)، در تحقیقی تحت‌عنوان "تعیین سهم بهینه یارانه انرژی در زیربخش‌های اقتصادی با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و برنامه‌ریزی خطی فازی (FLP)" دریافتند که رتبه بهینه زیربخش‌های اقتصادی در ایران برای تخصیص یارانه انرژی به‌ترتیب شامل بخش‌های خدمات، صنعت، کشاورزی، خانگی و حمل‌ونقل است.

بختیاری و همکاران (۱۳۹۰)، پژوهشی را تحت‌عنوان "سنجش وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان یزد با بهره‌گیری از رویکردهای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه و تحلیل عاملی" و به کمک نظام وزن‌دهی آن‌تروپی شانون و بررسی کیفی با استفاده از پرسشنامه‌های خاص بر مبنای دیدگاه‌های مدیران استان و به‌کارگیری روش AHP انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که شهرستان‌های بهاباد، طبس و خاتم به‌عنوان شهرستان‌های محروم، بافق و ابرکوه به‌عنوان شهرستان‌های نیمه‌محروم، تفت، صدوق و مهریز به‌عنوان شهرستان‌های نیمه‌برخوردار و شهرستان‌های یزد، اردکان و میبد به‌عنوان شهرستان‌های برخوردار استان یزد مطرح هستند.

دلبری و داودی (۱۳۹۱)، با کاربرد تکنیک فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی و با نظرسنجی از خبرگان، شاخص‌های ارزیابی جاذبه‌های توریستی، معیارها و زیرمعیارهای اولیه رتبه‌بندی آنها را شناسایی و تدوین کرده و به طراحی ساختار سلسله‌مراتبی اقدام ورزیدند. سپس با استفاده از دو پرسشنامه طراحی شده و با استفاده از نرم‌افزار Expert Choice شاخص‌های ارزیابی جاذبه‌های توریستی را با توجه به معیارهای تعیین شده، رتبه‌بندی نمودند.

عینالی و همکاران (۱۳۹۰)، کاربرد مدل تحلیل سلسله‌مراتبی در تعیین اولویت بخش‌های اقتصادی به‌منظور توسعه روستایی را در دهستان‌های شهرستان طارم علیا مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این بود که در عرصه فضای جغرافیایی، اولویت اقدامات ارتقایی برای بهبود عملکرد شاخه‌های اقتصادی در هر کدام از بخش‌ها به‌ترتیب با دهستان‌های آببر، درام، گیلوان، چورزق و دستجرده است و نیز اینکه از نظر موضوعی، اولویت عملکردی به‌ترتیب، با کشاورزی-دامپروری، خدمات، صنعت و گردشگری است.

زنگی‌آبادی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی به بررسی و تحلیل درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی پرداختند، نتایج این پژوهش نشان داد که شهرستان تبریز با توجه به اینکه مرکز اداری-سیاسی استان می‌باشد از لحاظ شاخص‌های بهداشتی-درمانی در رتبه نخست قرار گرفته است. در این بین شهرستان اسکو با اندک فاصله از شهرستان تبریز در مرتبه دوم واقع شده که از رتبه‌های بعدی فاصله چشمگیری گرفته‌اند.

بهرامی و عطار (۱۳۹۰)، در پژوهشی به بررسی و تحلیل درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مدل تاپسیس خطی با انتخاب ۲۴ شاخص کمی و کیفی در زمینه‌های مختلف توسعه پرداختند. نتایج این پژوهش ضمن ارائه رتبه‌بندی شهرستان‌های استان به لحاظ توسعه؛ مؤید ارتباط معنادار بین سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان با نرخ شهرنشینی آنها می‌باشد.

حیدری ساریان (۱۳۸۹)، طی مطالعه‌ای به اولویت‌بندی دهستان‌های شهرستان مشکین‌شهر بر حسب سطوح توسعه کشاورزی پرداخت. داده‌های به‌دست آمده با استفاده از تکنیک TOPSIS مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره بر اساس وزن‌های محاسبه شده نشان داد که در بین دهستان‌های شهرستان مورد مطالعه، دهستان‌های مشکین شرقی و قره‌سو از حیث توسعه کشاورزی به ترتیب در رتبه اول و دوم و دهستان نقدی در رده آخر قرار دارند.

۵. بررسی وضعیت اقتصادی استان از منظر معیارهای کمی پژوهش

خراسان جنوبی سومین استان پهناور کشور و در شرق آن واقع بوده و دارای ۳۳۱ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان می‌باشد. مساحت استان معادل ۱۵۰۸۰۰ کیلومتر مربع بوده که ۹ درصد مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است. جمعیت استان بر اساس آخرین سرشماری (سال ۱۳۹۰) و با لحاظ شهرستان طبس ۷۳۲۱۹۲ نفر معادل ۲۰۳۳۶۶ خانوار بوده که نزدیک به یک درصد از جمعیت کشور را به خود اختصاص می‌دهد.

استان خراسان جنوبی از حیث شاخص‌های اشتغال از جایگاه مناسبی در کشور برخوردار است، به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۲ نرخ اشتغالی معادل ۹۲ درصد و نرخ بیکاری ۸ درصد را تجربه کرده، همچنین نرخ مشارکت اقتصادی در استان برابر با ۳۹/۵ درصد بوده است. در سال ۱۳۹۲ متوسط درآمد خالص هر خانوار شهری ۱۶۰ میلیون ریال و برای هر خانوار روستایی ۹۲ میلیون ریال و متوسط هزینه‌های خالص هر خانوار شهری در همین سال ۱۹۳ میلیون ریال و خانوار روستایی ۱۱۱ میلیون ریال بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳).

خراسان جنوبی جزو استان‌های با نرخ تورم پایین در کشور می‌باشد، به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۱ نرخ تورم شهری استان برابر با ۲۵/۴ درصد و کشوری ۲۶ درصد بوده است و در سال ۱۳۹۱ نرخ تورم روستایی استان برابر با ۲۷/۴ درصد و کشوری ۳۲/۷ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳). استان با داشتن واحدها و مراکز مختلف آموزش عالی دولتی، علوم پزشکی، جامع علمی کاربردی، پیام‌نور، آزاد و ... که بیشتر در شهرستان بیرجند متمرکز می‌باشند، به‌عنوان قطب علمی و دانشگاهی در شرق کشور مطرح می‌باشد.

استان خراسان جنوبی از نظر کشاورزی دارای منابع آبی شامل ۳۱۷۹ حلقه چاه، ۲۰۸۴ رشته چشمه و ۶۱۹۷ رشته قنات با تخلیه سالانه ۱۲۴۳/۴۱ میلیون متر مکعب آب می‌باشد. استان دارای ۱۳۱۷۵۱/۳ هکتار اراضی زیر کشت محصولات زراعی با تولید ۶۸۴۶۳۱ تن و ۵۷۴۶۸/۶ هکتار سطح زیر کشت محصولات باغی با تولید ۱۰۶۷۸۴ تن می‌باشد. عمده‌ترین محصولات زراعی استان گندم، جو، پنبه، زعفران، چغندر قند، سیب‌زمینی، حبوبات، محصولات جالیزی و نباتات علوفه‌ای و عمده‌ترین محصولات باغی زرشک، زعفران، عنب، پسته، هسته‌دار، زیتون، سیب، انار، خرما، انگور، سنجد و گل نرگس می‌باشند. خراسان جنوبی از نظر سطح زیر کشت و میزان تولید زرشک و عنب مقام نخست جهان و از نظر سطح زیر کشت و میزان تولید زعفران مقام دوم کشور را دارا است. در سال ۱۳۹۲ مقدار ۲۳/۸۹۸ تن گوشت قرمز، ۴۷/۸۵۳ تن گوشت مرغ، ۱۳/۰۸۰ تن تخم مرغ، ۱۴۶/۱۴۱ تن شیر خام و ۱۱۸ تن عسل در استان تولید شده است. قابل ذکر است که ۱۵ درصد از جمعیت شتر کشور در این استان وجود دارد (گزارشات سازمان جهاد کشاورزی استان، ۱۳۹۲). استان خراسان جنوبی از نظر تمرکز صنایع یکی از کم‌تراکم‌ترین استان‌های کشور است؛ به‌نحوی که کمتر از یک درصد از مجموع کارگاه‌های صنعتی کشور بر اساس آمار سال ۱۳۹۳ در این استان واقع شده‌اند. تعداد پروانه‌های بهره‌برداری صادر شده توسط سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تا پایان فروردین ماه ۱۳۹۳ برابر ۴۶۳ فقره بوده است که سهم عمده آن به‌ترتیب مربوط به محصولات کانی غیرفلزی، محصولات غذایی و آشامیدنی و محصولات لاستیک و پلاستیک می‌باشد. همچنین، میزان اشتغال کارگاه‌های صنعتی براساس پروانه‌های بهره‌برداری صادر شده توسط سازمان صنعت، معدن و تجارت، ۱۰۵۸۵ نفر بوده است که سهم عمده آن مربوط به محصولات کانی غیرفلزی می‌باشد (گزارش سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، ۱۳۹۳). صنایع عمده استان شامل لاستیک‌سازی، سیمان، کاشی و سرامیک، صنایع غذایی و نوشیدنی، آرایشی و بهداشتی، بسته‌بندی، ساختمانی، صنایع دستی (عمدتاً فرش دستباف) و ... می‌باشد.

در حال حاضر ۳۴۷ باب معدن فعال با ۸۸۷ میلیون تن ذخیره قطعی در استان وجود دارد که میزان استخراج اسمی سالانه آنها ۷۶۶۱ هزار تن است و تاکنون ۳ هزار و ۸۷۸ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری در این بخش صورت گرفته است. اشتغال ایجاد شده در بخش معدن ۷۰۵۴ نفر می‌باشد و ۳۷ نوع ماده معدنی در استان استخراج می‌شود. همچنین تعداد پروانه‌های اکتشاف معدنی ۳۷۵ مورد است. مجموع ذخایر معدنی استان با احتساب معادن دارای پروانه بهره‌برداری و گواهی‌نامه‌های کشف معتبر بیش از ۱۴۰۰ میلیون تن بوده که رتبه هشتم کشور را به لحاظ معادن داراست. (گزارش سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، ۱۳۹۳).

مهم‌ترین ماده معدنی استان در رتبه اول شامل ذغال‌سنگ، منیزیت و خاک‌های نسوز و در رتبه‌های بعدی شامل بنتونیت و گرانیت است که معادن گرانیت سبز، کرومیت و سنگ آهن، مرمریت و بازالت منشوری از جمله معادن خراسان جنوبی هستند که قابلیت صادرات دارد و به کشورهایمانند چین، عراق، ترکیه، ارمنستان، اروپا و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس صادر می‌شود (گزارش سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، ۱۳۹۳).

در سال ۱۳۹۲ ارزش صادرات استان خراسان جنوبی معادل ۱۴۴/۶۶۸ هزار دلار با وزن بالغ بر ۴۲۰ هزار تن بوده است. هیدروکربور سنگین، سیمان، روغن پایه، موکت، کاشی و سرامیک، لوله خرطومی و نایلون به صورت رول اقلام عمده صادر شده از استان بوده‌اند که عمدتاً به افغانستان صادر گردیده‌اند. (اداره کل گمرکات استان، ۱۳۹۳).

واردات انجام شده در این سال نیز معادل ۱،۱۰۶ هزار دلار با وزن ۱۸۳۵ تن بوده است. تخم اسپند، احشام و شاهانه اقلام عمده وارداتی به استان بوده‌اند که غالباً از افغانستان وارد گردیده‌اند. (اداره کل گمرکات استان، ۱۳۹۳).

۶. بررسی عملکرد معیارهای کمی در بخش‌های اقتصادی

بررسی شاخص‌های اقتصادی کمی شامل مصرف واسطه، ارزش افزوده، مزیت نسبی آشکار شده، توزیع نسبی شاغلان ده ساله و بیشتر و بهره‌وری عوامل تولید در هریک از بخش‌های اقتصادی استان می‌تواند معیار مناسبی جهت مقایسه بخش‌ها با یکدیگر باشد. در جدول (۱) مقدار میانگین سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۹۰) این شاخص‌ها در هریک از بخش‌های اقتصادی استان جهت مقایسه ارائه شده‌اند.

بخش صنعت با میزان مصرف واسطه ۵/۲۰۶ میلیارد ریال و با اختلاف بسیار رتبه نخست را بر اساس میانگین سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۹۰) کسب کرده است. بخش‌های کشاورزی و خدمات نیز به ترتیب با میزان مصرف واسطه ۲/۸۷۴ و ۲/۱۱۳ میلیارد ریال در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.

از لحاظ میزان ارزش افزوده، بخش خدمات با ۸/۷۳۶ میلیارد ریال و با اختلاف بسیاری رتبه اول را بر اساس میانگین سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۹۰) کسب کرده است. بخش‌های کشاورزی و صنعت نیز به ترتیب با میزان ارزش افزوده ۳/۹۲۲ و ۳/۰۱۳ میلیارد ریال در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. همچنین، بخش کشاورزی با مزیت نسبی آشکار شده ۲/۷۲۸ و با اختلاف بسیار رتبه نخست را براساس میانگین سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۹۰) کسب کرده است. بخش‌های خدمات و صنعت نیز به ترتیب با میانگین مزیت نسبی آشکار شده ۱/۲۱۲ و ۰/۷۸۵ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.

از نظر اشتغال، بخش کشاورزی با ۳۳/۴ درصد شاغلین ده ساله و بیشتر رتبه نخست را بر اساس میانگین سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۹۱) کسب کرده است. بخش‌های صنعت و خدمات نیز به ترتیب با میانگین ۳۰/۴ و ۲۹ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.

بخش خدمات با میزان بهره‌وری ۵/۱۳ رتبه نخست را بر اساس میانگین سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۹۰) کسب کرده است. بخش‌های معدن و حمل‌ونقل نیز به ترتیب با میانگین ۳/۴۳ و ۳/۱۵ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند (جدول ۲).

جدول ۱. عملکرد شاخص‌های اقتصادی کمی بخش‌های مختلف اقتصادی استان خراسان جنوبی (میانگین سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۰)

گزینه‌ها / معیارها	مصرف واسطه (میلیارد ریال)	ارزش افزوده (میلیارد ریال)	مزیت نسبی آشکار شده	توزیع نسبی شاغلان ده ساله و بیشتر (درصد)	بهره‌وری عوامل تولید
بخش کشاورزی	۲/۸۷۴	۳/۹۲۲	۲/۷۲۸	۳۳/۳۹	۲/۳۶
بخش صنعت	۵/۲۰۶	۳/۰۱۳	۰/۷۸۵	۳۰/۳۵	۱/۵۸
بخش معدن	۱۱۹	۲۸۸	۰/۰۹۳	۱/۶۴	۳/۴۳
بخش خدمات	۲/۱۱۳	۸/۷۳۶	۱/۲۱۲	۲۹/۰۳	۵/۱۳
بخش حمل‌ونقل	۴۰۰	۸۶۰	۰/۶۹۴	۵/۶۳	۳/۱۵

مأخذ: مرکز آمار ایران و نتایج تحقیق.

جدول ۲. رتبه‌بندی بخش‌های اقتصادی استان بر اساس میانگین شاخص‌های اقتصادی کمی طی سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۹۰)

گزینه‌ها / معیارها	مصرف واسطه (میلیارد ریال)	ارزش افزوده (میلیارد ریال)	مزیت نسبی آشکار شده	توزیع نسبی شاغلان ده ساله و بیشتر (درصد)	بهره‌وری عوامل تولید
بخش کشاورزی	۲	۲	۱	۱	۴
بخش صنعت	۱	۳	۳	۲	۵
بخش معدن	۵	۵	۵	۵	۲
بخش خدمات	۳	۱	۲	۳	۱
بخش حمل‌ونقل	۴	۴	۴	۴	۳

مأخذ: نتایج تحقیق.

۷. ساختار فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی

در قسمت قبل بخش‌های اقتصادی استان از نظر معیارهای اقتصادی کمی مقایسه و رتبه‌بندی گردیدند، اما هدف از این تحقیق تعیین بخش اولویت‌دار استان با لحاظ معیارهای کمی و کیفی از طریق فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی است که جزو روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره می‌باشد.

روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)^۱ بر اساس تحلیل مغز انسان برای مسائل پیچیده و فازی توسط محقق به نام توماس - ال - ساعتی^۲ در سال ۱۹۷۰ پیشنهاد گردید. در دنیای امروزی توافق روی این موضوع که اهمیت یک هدف از دیگری بیشتر است، کاری بس دشوار می‌باشد. روش AHP ما را قادر می‌سازد تا از طریق ساده نمودن و تسریع فرایندهای تصمیم‌گیری طبیعی خود، تصمیمات مؤثری را در مورد موضوعات پیچیده اتخاذ نماییم (صامتی و همکاران، ۱۳۸۲).

نخستین مرحله از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی طراحی پرسشنامه می‌باشد. در این بخش با استفاده از زیرمعیارهای استاندارد شده، پرسشنامه گردآوری داده‌ها طراحی شده است. در این پرسشنامه تعداد پرسش‌ها متناسب با تعداد زیرمعیارها است. پرسش‌ها به صورت مقایسه بین هر یک از آخرین سطح زیرمعیارها و جایگزین‌ها طراحی شده است که پرسش‌شونده می‌بایست بر اساس آن پاسخ دهد. برای آنکه برداشت‌های ذهنی پرسش‌شوندگان نسبت به پرسش‌ها به یکدیگر نزدیک شود، شاخص‌های مناسب مرتبط با زیرمعیار ارائه شده است.

مرحله دوم تعیین جامعه و نمونه است. در این تحقیق انتخاب افراد پرسش‌شونده به صورت خوشه‌ای صورت خواهد گرفت. نحوه انتخاب به این شکل است که ابتدا با توجه به هدف تحقیق و همچنین کمی یا کیفی بودن زیرمعیارها و جایگزین‌ها آنها را طبقه‌بندی می‌نمایند، سپس به تناسب تعداد زیرمعیارها یا جایگزین‌های قرارگرفته در هر طبقه سهمیه مناسبی از پرسش‌شوندگان را به آنها اختصاص داده و در نهایت، از میان افرادی که دارای اطلاعات کارشناسی مناسب درخصوص زیرمعیارها ذو جایگزین‌ها و از جهت نوع کار و تخصص نیز ترجیحاً درگیر فعالیت‌های مرتبط با آن می‌باشند، سهمیه‌های اختصاصی به هر طبقه از زیرمعیارها و جایگزین‌ها با انجام این اقدامات، مجموعه افرادی که از آنان پرسش شده و همچنین تعداد و نوع پرسش‌ها مشخص شده است (صامتی و همکاران، ۱۳۸۲).

سومین مرحله تبیین جدول مقایسه زوجی می‌باشد. در روش AHP با استفاده از منطق فازی که به صورت پیوستاری است، جدولی ۹ یا ۱۱ درجه‌ای تهیه می‌شود. این جدول دارای اعداد صحیح ۱ تا ۹ یا ۱ تا ۱۱ می‌باشد که برای هر وضعیت از مقایسه، یک عدد در نظر گرفته شده است. قطر ماتریس این مقیاس به طور طبیعی عدد یک است؛ زیرا در مقایسه ماتریسی مقایسه دو جایگزین مشابه یکسان خواهد بود. از سوی دیگر معکوس مقایسه دو جایگزین با یکدیگر در خصوص یک زیرمعیار به صورت کسری ثبت خواهد شد (صامتی و همکاران، ۱۳۸۲). لازم به ذکر است در این تحقیق از طیف ۹ گزینه‌ای استفاده شده است.

1. Analytical Hierarchy Process

2. Thomas. L. satty

استخراج اولویت‌ها چهارمین مرحله از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی می‌باشد. استخراج اولویت به معنای مرتب کردن جایگزین‌ها در هر یک از زیرمعیارها است. در این مرحله همچنین می‌بایست اولویت یا وزن هر زیرمعیار نسبت به دیگر زیرمعیارها تعیین شود. برای تعیین اولویت هر یک از گروه‌های مقایسه شده گذر از دو مرحله نرمال‌سازی و محاسبه میانگین موزون ضروری است. برای نرمال‌سازی روش‌های مختلفی وجود دارد اما در روش AHP از رابطه ذیل برای نرمال کردن اعداد استفاده می‌شود:

$$r_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sum_{i=1}^m a_{ij}} \quad (1)$$

a: نام زیرمعیار، r_{ij} : زیرمعیار نرمال شده و i, j : دو جایگزینی که با یکدیگر مقایسه می‌شوند. پس از پایان عملیات نرمال‌سازی اعداد هر یک از معیارها، نوبت به استخراج میانگین موزون اعداد نرمال شده خواهد رسید. برای این منظور اعداد نرمال شده هر سطر از جایگزین محاسبه و در نهایت میانگین آن استخراج خواهد شد. همچنین، در این مرحله برای آمادگی جهت استخراج اولویت نهایی کلیه جایگزین‌ها، لازم است میانگین موزون یا وزن هر زیرمعیار نیز محاسبه شود. با محاسبه میانگین موزون در واقع عملیات تعیین اولویت هر جایگزین نسبت به هر یک از زیرمعیارها و وزن هر یک از زیرمعیارها به پایان خواهد رسید (صامتی و همکاران، ۱۳۸۲). برای محاسبه میانگین موزون از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$W = \frac{1}{N} \left[\sum_{j=1}^N r_{ij} \right] \quad (2)$$

W: میانگین موزون، N: تعداد جایگزین‌های مورد مقایسه، r_{ij} : مقادیر نرمال شده هر خانه از یک سطر؛ آخرین مرحله کار، تعیین وزن نهایی جایگزین‌ها است. این مرحله که پس از پایان مرحله محاسبه میانگین موزون هر جایگزین در خصوص هر زیرمعیار آغاز خواهد شد، در واقع مشخص‌کننده وزن هر جایگزین در مجموع جایگزین‌های موجود می‌باشد. در این مرحله پاسخ سطح هدف درخت سلسله‌مراتبی داده خواهد شد.

دستور میانگین موزون برای محاسبه میانگین هر سطر از جایگزین‌ها به شکل زیر می‌باشد:

$$W = \sum_{i=1}^n W_{ai} W_{ci} \quad (3)$$

W : میانگین موزون نهایی جایگزین سطر اول، W_{ai} : میانگین موزون معیار i ، W_{ci} : میانگین موزون معیار i ، n : مجموعه معیارها و جایگزین‌های سطر اول.

در این مرحله ابتدا وزن نهایی همه جایگزین‌ها نسبت به زیرمعیارها و وزن زیرمعیارها نسبت به یکدیگر مطابق با دستور مورد نظر محاسبه خواهد گردید. پس از محاسبه اوزان نهایی زیرمعیارها و جایگزین‌ها، وزن نهایی هر یک از جایگزین‌ها به دست خواهد آمد (صامتی و همکاران، ۱۳۸۲).

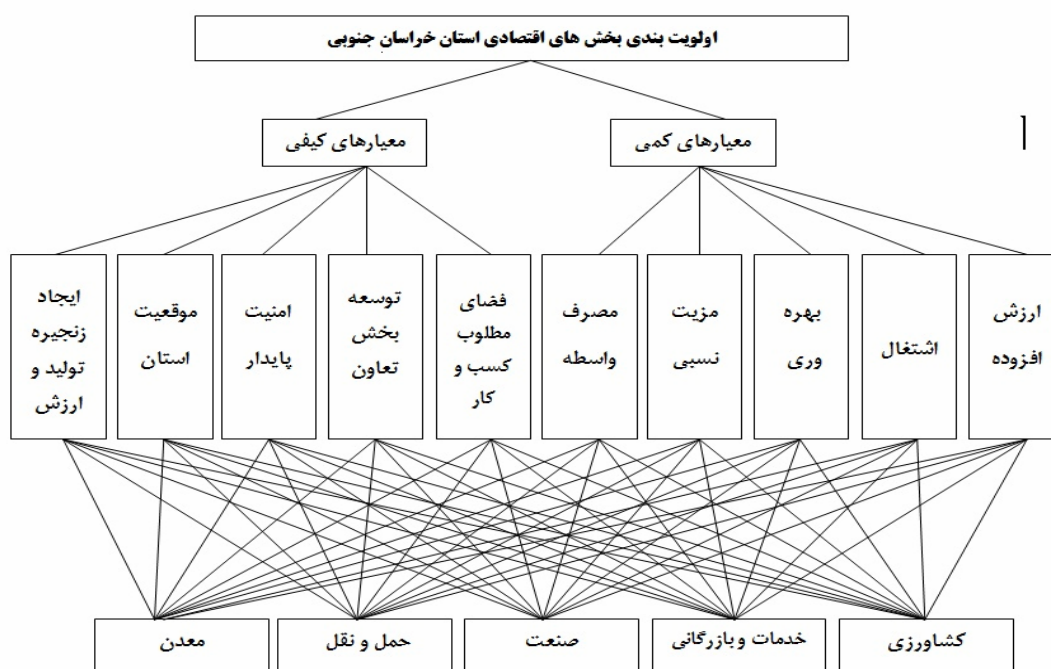
۸. فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی پژوهش

این تحقیق از لحاظ جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از نوع توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام مدیران و کارشناسان اقتصادی استان، خبرگان و اساتید دانشگاهی، فعالان و کارآفرینان بخش‌های اقتصادی استان می‌باشند که با توجه به آخرین آمارهای موجود در سالنامه آماری استان حجم تقریبی آن مشخص و با استفاده از جدول مورگان و از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای-سیستماتیک جامعه آماری بر اساس زمینه فعالیت در بخش‌های مختلف اقتصادی به پنج دسته تقسیم گردید (زمینه‌های کشاورزی، صنعت، معدن، خدمات و بازرگانی و حمل و نقل و ارتباطات)، سپس از هر دسته ۳۶ نفر (در کل ۱۸۰ نفر) به طور تصادفی انتخاب و پس از ارائه توضیحات لازم پیرامون نحوه تکمیل پرسشنامه نسبت به پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق اقدام نمودند و در انتها پرسشنامه‌های تکمیل شده جمع‌آوری گردید.

در این پژوهش دو پرسشنامه که با مشورت صاحب‌نظران مربوطه تهیه گردیده، در اختیار افراد نمونه قرار گرفت. در پرسشنامه اول، افراد ترجیحات خود را بین بخش‌های اقتصادی استان و در پرسشنامه دوم، ترجیحات خود را بین معیارهای احصاء شده جهت اولویت‌بندی این بخش‌ها بیان نمودند. پس از تعیین وزن هر یک از معیارها، در گام بعد گزینه‌ها به صورت زوجی بر اساس هر معیار مقایسه شدند. پس از اینکه مقایسه‌ها انجام شد، داده‌ها به ماتریس مقایسه زوجی منتقل گردید. پس از نرمال کردن وزن هر گزینه بر اساس معیار مورد نظر به دست آمد. سپس نتایج پرسشنامه‌ها به روش اکتشافی و سپس از طریق نرم‌افزارهای Expert Choice و SPSS تحلیل شد و نیز روایی پرسشنامه از طریق مراجعه به خبرگان مورد بررسی قرار گرفت و تأیید گردید. همچنین پایایی آن به روش آلفای کرونباخ معادل ۰/۷ محاسبه گردید که نشان از پایا بودن پرسشنامه دارد.

پرسش اصلی در این پژوهش، اولویت‌بندی بخش‌های اقتصادی استان بوده که سطح هدف را در درخت سلسله‌مراتبی تشکیل می‌دهد. دومین سطح درخت سلسله‌مراتبی تعیین متغیرهایی بود که متضمن دستیابی به هدف پژوهش بودند. معیارهایی که هدف فوق بر اساس آنها محقق می‌شد، با استفاده از نظر متخصصین و افراد خبره در زمینه موضوع به تعداد ۱۰ متغیر مشخص گردید که ۵ متغیر آن از نوع کمی

و شامل میزان ارزش افزوده، اشتغال ایجاد شده، بهره‌وری عوامل تولید، مزیت نسبی و مصرف واسطه هر بخش بوده و ۵ متغیر دیگر از نوع کیفی بوده که عبارت بودند از نقش بخش موردنظر در فضای مطلوب کسب و کار، توسعه بخش تعاون و ارتقای سهم آن در اقتصاد، تأمین امنیت پایدار، بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی-اقلیمی و منطقه‌ای استان و ایجاد و توسعه زنجیره تولید ارزش. درنهایت، آخرین سطح سلسله‌مراتبی یعنی جایگزین‌ها که پنج بخش اقتصادی استان (کشاورزی، خدمات و بازرگانی، حمل و نقل، صنعت و معدن) را شامل می‌شدند، تشکیل گردید. در نهایت رتبه‌بندی بخش‌های اقتصادی از لحاظ معیارهای مورد بررسی به کمک تحلیل سلسله‌مراتبی انجام و بخش اولویت‌دار استان مشخص گردید.



نمودار ۲. درخت سلسله‌مراتبی AHP برای اولویت‌بندی بخش‌های اقتصادی استان

درخت سلسله‌مراتبی این تحقیق از چهار سطح تشکیل شده است (نمودار ۲). سطح نخست دربرگیرنده هدف اصلی یا همان اولویت‌بندی بخش‌های اقتصادی استان خراسان جنوبی می‌باشد، سطح دوم معیارهای کلی را دربر می‌گیرد؛ این سطح معیارهای تحقیق را به دو دسته کلی معیارهای کمی و کیفی تقسیم‌بندی می‌کند. سطح سوم شامل معیارهای منتخب تأثیرگذار بر بخش‌های اقتصادی استان که ۵ معیار زیرمجموعه معیارهای کمی و ۵ معیار زیرمجموعه معیارهای کیفی بر مبنای اهداف

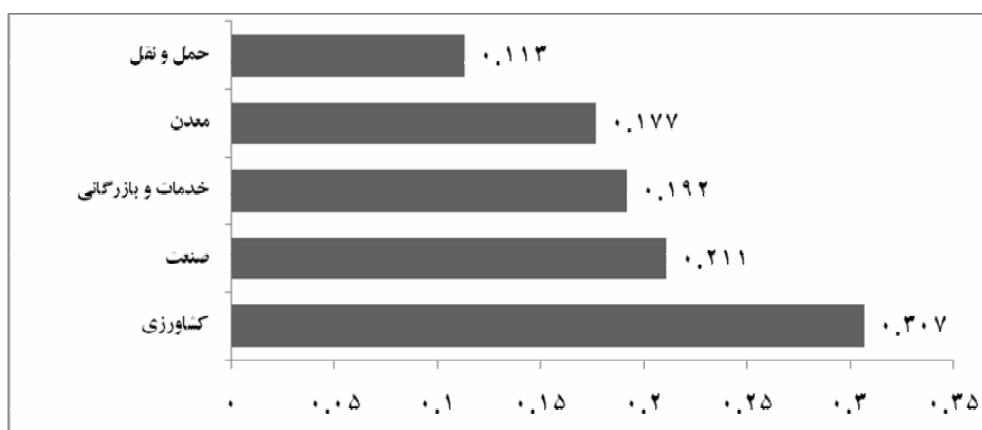
برنامه پنجم و الزامات توسعه استان خراسان جنوبی می‌باشد. سطح چهارم گزینه‌های تحقیق هستند که استدلال انتخاب هر یک از بخش‌ها و محدوده تعریف هر کدام پیش‌تر تشریح گردید.

در این مرحله لازم است تا گزینه‌ها با توجه به معیارها (گزینه‌های منتخب پرسشنامه) و معیارها با توجه به هدف کلی به صورت زوجی توسط مدیران اقتصادی، کارشناسان خبره اقتصادی و کارآفرینان استان خراسان جنوبی به تعداد ۱۸۰ نفر با یکدیگر مقایسه شوند. اهمیت نسبی عناصر هر مرحله نسبت به یکدیگر با توجه به عناصر مرحله بالاتر مقایسه شده‌اند. لازم به ذکر است، دامنه مقایسه‌ها نیز بر مبنای طیف ساعتی در نظر گرفته می‌شود و وزن‌ها نیز از ماتریس مقایسات زوجی حاصل می‌گردد.

۹. اولویت‌بندی بخش‌های اقتصادی استان بر اساس تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)

براساس نمونه جمع‌آوری شده به تعداد ۱۸۰ پرسشنامه که در آن افراد با وزن‌دهی به ۱۰ معیار مشخص شده، بخش‌های اقتصادی استان را اولویت‌بندی نموده‌اند و همچنین با کمک نرم‌افزار Expert Choice، پس از ورود داده‌ها، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) انجام شده است و نتایج خروجی آن در مطالب پیش رو آمده است.

در نمودار (۳) پنج بخش اقتصادی به همراه نقش آنها در توسعه استان که بر اساس نظر DMها و با استفاده از نرم‌افزار Expert choice به دست آمده، ارائه گردیده است. با توجه به نمودار مشاهده می‌شود که مجموع مقادیر سهم بخش‌ها در توسعه استان برابر یک می‌باشد. بنابراین می‌توان بر اساس این سهم، میزان نقش هر بخش در توسعه استان را برآورد نمود.



نمودار ۳. انتخاب بخش اقتصادی اولویت‌دار استان

در جدول (۳) نتایج به دست آمده از نمودار (۳) به صورت درصد بیان شده است.

جدول ۳. اهمیت هریک از بخش‌های اقتصادی در توسعه استان

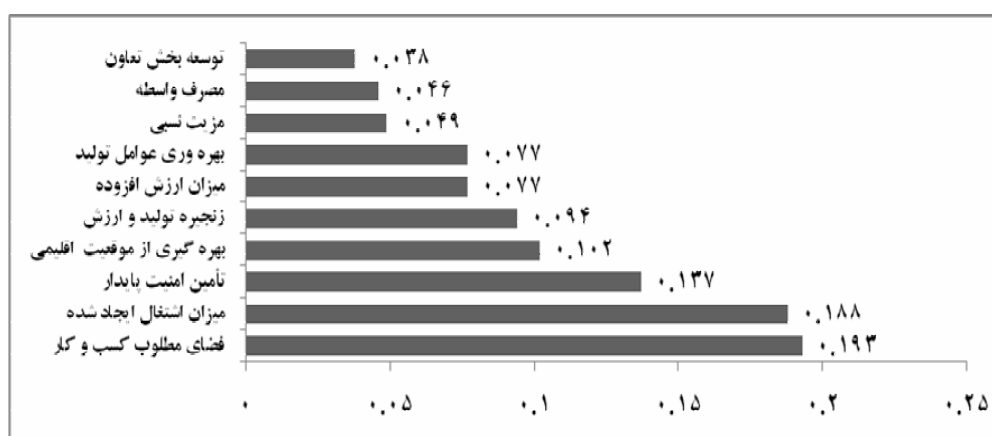
عنوان بخش	رتبه	سهم (درصد)	تجمعی
کشاورزی	۱	۳۰/۷	۳۰/۷
صنعت	۲	۲۱/۱	۵۱/۸
خدمات و بازرگانی	۳	۱۹/۲	۷۱/۰
معدن	۴	۱۷/۷	۸۸/۷
حمل و نقل	۵	۱۱/۳	۱۰۰/۰

مأخذ: نتایج تحقیق.

رتبه اول و بیشترین اولویت در توسعه استان متعلق به بخش کشاورزی با سهم ۳۰/۷ درصد می‌باشد. علیرغم اقلیم نه‌چندان مناسب استان برای فعالیت‌های کشاورزی، وجود محصولات استراتژیک مانند زرشک و زعفران و نیز پیشینه غنی این بخش از جمله حفر قنات دلیل اهمیت این بخش در توسعه استان از نظر افراد نمونه شده است.

پس از کشاورزی، بخش صنعت با اختلاف حدود ۱۰ درصدی و با سهم ۲۱/۱ درصد در توسعه استان، رتبه دوم را به خود اختصاص داده است که حاکی از وجود پتانسیل‌های مناسب این بخش در استان می‌باشد. پهناور بودن استان و وجود مناطق وسیع در کنار عدم وجود محدودیت‌های زیست‌محیطی دست‌وپاگیر، قابلیت و زمینه توسعه واحدهای صنعتی را فراهم می‌نماید. از نظر افراد نمونه دو بخش خدمات و بازرگانی و صنعت در مجموع می‌توانند بیش از نیمی از اهداف توسعه استان را محقق سازند. بخش خدمات و بازرگانی با ۱۹/۲ درصد سومین رتبه را از حیث اهمیت در توسعه استان به خود اختصاص داده است. همسایگی با افغانستان و قرار گرفتن در محل تلاقی شاهراه‌های ارتباطی منطقه از مهم‌ترین عواملی هستند که می‌توانند در این بخش زمینه توسعه هرچه بیشتر استان را فراهم آورند. این بخش در کنار بخش‌های کشاورزی و صنعت در مجموع بیش از ۷۰ درصد از اهداف توسعه استان را محقق می‌سازد. رتبه چهارم از نظر نقش در توسعه استان متعلق به بخش معدن با سهم ۱۷/۷ درصد می‌باشد. با وجود ذخایر غنی معدنی در استان، عدم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و فرآوری مواد معدنی موجب شده این بخش نتواند از نظر افراد نمونه حائز اهمیت تلقی شده و جایگاه واقعی خود را در توسعه استان باز یابد. کمترین نقش در توسعه استان مربوط به بخش حمل و نقل با سهم ۱۱/۳ درصد بوده که حاکی از عدم وجود زیرساخت‌های مناسب در این بخش در استان می‌باشد. سیاست‌های اجرایی و تسهیلات ارائه شده در این بخش تاکنون نتوانسته زمینه توسعه استان را فراهم سازد.

در نمودار (۴) ۱۰ معیار پژوهش از لحاظ نقش آنها در دستیابی به هدف تحقیق که بر اساس نظر DMها و با استفاده از نرم‌افزار Expert Choice به‌دست آمده، ارائه گردیده است. همانگونه که ملاحظه می‌گردد، نرخ ناسازگاری^۱ قضاوت‌ها معادل ۰/۰۷ محاسبه گردیده که کمتر از ۰/۱۰ می‌باشد و بنابراین می‌توان سازگاری مقایسه‌ها را پذیرفت. با توجه به نمودار مشاهده می‌شود که مجموع مقادیر به‌دست آمده برای ۱۰ معیار برابر یک می‌باشد. بنابراین می‌توان بر اساس سهم هر معیار، میزان نقش و تأثیر هر یک را در دستیابی به هدف اصلی پژوهش که تعیین بخش اولویت‌دار اقتصاد استان می‌باشد، برآورد نمود.



نمودار ۴. اولویت‌بندی معیارهای پژوهش

جدول ۴. اهمیت هر یک از معیارهای پژوهش در دستیابی به هدف آن

عنوان معیار	رتبه	سهم (درصد)	درصد تجمعی
فضای مطلوب کسب و کار	۱	۱۹/۳	۱۹/۳
میزان اشتغال ایجاد شده	۲	۱۸/۸	۳۸/۱
تأمین امنیت پایدار	۳	۱۳/۷	۵۱/۸
بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی - اقلیمی و منطقه‌ای استان	۴	۱۰/۲	۶۲/۰
ایجاد و توسعه زنجیره تولید و ارزش	۵	۹/۴	۷۱/۴
میزان ارزش افزوده	۶	۷/۷	۷۹/۱
بهره‌وری عوامل تولید	۷	۷/۷	۸۶/۸
مزیت نسبی	۸	۴/۹	۹۱/۷
مصرف واسطه	۹	۴/۶	۹۶/۳
توسعه بخش تعاون	۱۰	۳/۸	۱۰۰

مأخذ: نتایج تحقیق.

۱. نرخ ناسازگاری، نشان می‌دهد که تا چه اندازه می‌توان به اولویت‌های حاصل از اعضای نمونه و جدول‌های ترکیبی اعتماد کرد.

رتبه اول و بیشترین سهم در دستیابی به هدف پژوهش متعلق به معیار کیفی فضای مطلوب کسب و کار با سهم ۱۹/۳ درصد بوده که نشان‌دهنده اهمیت قابل توجه آن از نظر افراد نمونه می‌باشد. همانطور که پیش‌تر بیان گردید، هرچند در این تحقیق به‌عنوان یک معیار کیفی کلی آورده شده است، اما در واقع خود متشکل از ۱۱ شاخص تعیین شده توسط بانک جهانی می‌باشد که در این تحقیق این شاخص کلی و انتزاعی بوده و به‌صورت کیفی در نظر گرفته شده است.

رتبه دوم با سهم ۱۸/۸ درصد و با فاصله اندک از معیار اول، متعلق به معیار کمی میزان اشتغال ایجاد شده می‌باشد. مجموع ۲ معیار اول و دوم، بیش از ۳۸ درصد سهم و تأثیر در دستیابی به هدف تحقیق را به خود اختصاص داده‌اند. در واقع معیار نخست بیانگر فضای مناسب جهت اشتغال بوده و معیار دوم میزان آن را می‌سنجد و این دو در کنار یکدیگر اهمیت فراوان مقوله اشتغال را از دید DMها آشکار می‌سازد.

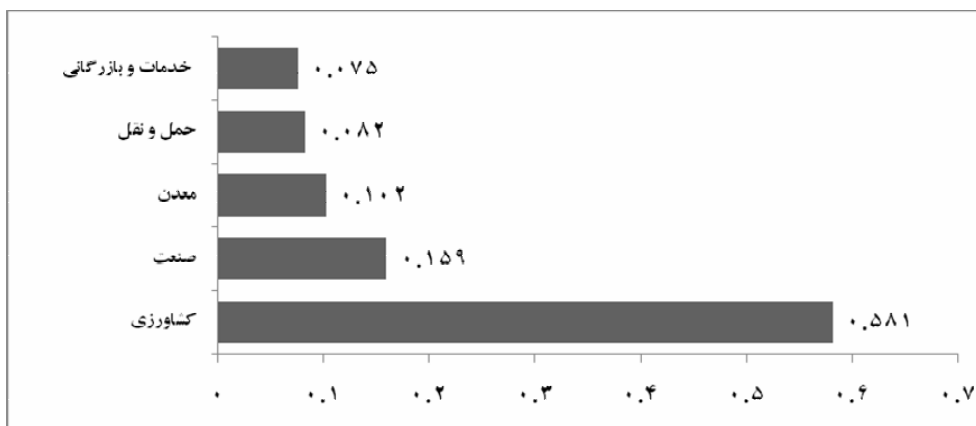
رتبه سوم متعلق به معیار کیفی تأمین امنیت پایدار با سهم ۱۳/۷ درصدی می‌باشد. سهم این معیار از معیار قبلی در حدود ۵ درصد کمتر است، اما در کنار ۲ معیار فوق‌الذکر، سهمی بیش از ۵۰ درصد را در دستیابی به هدف تأمین می‌نماید.

رتبه چهارم با سهم ۱۰/۲ درصد متعلق به معیار کیفی بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی - اقلیمی و منطقه‌ای استان بوده و معیار کیفی ایجاد و توسعه زنجیره تولید و ارزش با سهم ۹/۴ درصدی با تفاوت اندکی رتبه پنجم را کسب کرده است. ۵ معیار نخست در مجموع بیش از ۷۰ درصد سهم در دستیابی به هدف را در این پژوهش برآورده می‌سازد.

معیارهای میزان ارزش‌افزوده و بهره‌وری عوامل تولید هرکدام با سهم ۷/۷ درصد، مزیت نسبی با ۴/۹ درصد، مصرف واسطه با ۴/۶ درصد و در نهایت توسعه بخش تعاون با سهم ۳/۸ درصد نیز رتبه‌های ششم تا دهم را به خود اختصاص داده‌اند.

۱۰. بررسی وضعیت بخش‌های اقتصادی استان در معیارهای پژوهش

با استفاده از نرم‌افزار Expert choice اولویت‌بندی بخش‌های اقتصادی استان به تفکیک هر یک از معیارها قابل انجام است که برای ۳ معیار نخست پژوهش این رتبه‌بندی انجام شده است. نمودار (۵) اولویت‌بندی بخش‌های اقتصادی استان بر اساس معیار فضای مطلوب کسب و کار را نشان می‌دهد.



نمودار ۵. انتخاب بخش اقتصادی اولویت‌دار استان بر اساس معیار فضای مطلوب کسب و کار

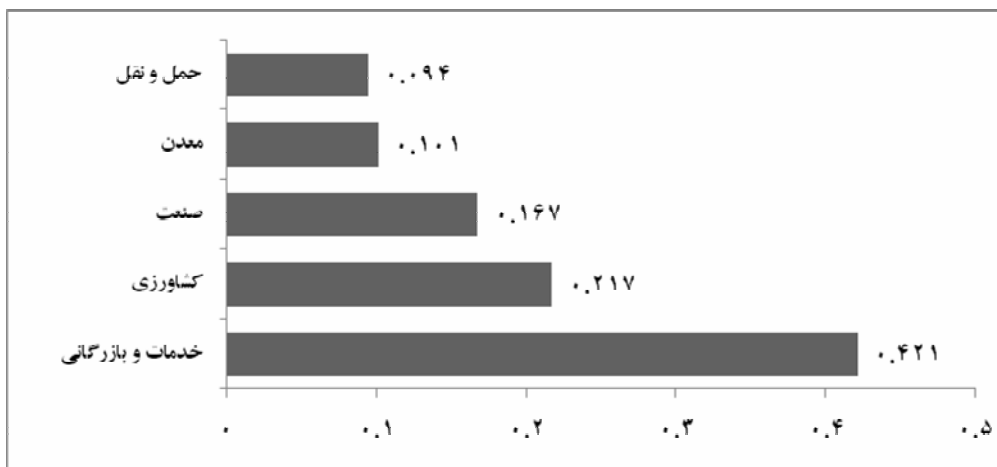
رتبه اول و بیشترین سهم در توسعه استان از لحاظ معیار فضای مطلوب کسب و کار متعلق به بخش کشاورزی با سهم ۵۸/۱ درصد می‌باشد. علیرغم اقلیم نه‌چندان مناسب استان برای فعالیتهای کشاورزی، وجود برخی محصولات استراتژیک مانند زرشک و زعفران و نیز پیشینه غنی این بخش از جمله حفر قنوات و تعداد قابل توجه شاغلین استان در این بخش موجب شده نزدیک به ۶۰ درصد زمینه دستیابی به توسعه استان از حیث معیار فوق‌الذکر توسط بخش کشاورزی فراهم گردد.

پس از کشاورزی، بخش صنعت با اختلاف فاحش و با سهم ۱۵/۹ درصد، رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. پهناور بودن استان و وجود مناطق وسیع در کنار عدم وجود محدودیت‌های زیست‌محیطی دست‌وپاگیر، می‌تواند قابلیت و زمینه توسعه واحدهای صنعتی و بهبود فضای کسب و کار استان را فراهم نماید.

بخش معادن با ۱۰/۲ درصد سومین رتبه را به خود اختصاص داده است. با وجود ذخایر غنی معدنی در استان، عدم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و فرآوری مواد معدنی موجب شده این بخش نتواند جایگاه واقعی خود را در توسعه فضای کسب و کار استان باز یابد.

رتبه چهارم متعلق به بخش حمل و نقل با سهم ۸/۲ درصد می‌باشد که حاکی از عدم وجود زیرساخت‌های مناسب در این بخش در استان است. سیاست‌های اجرایی و تسهیلات ارائه شده در این بخش تاکنون نتوانسته زمینه توسعه فضای کسب و کار استان را فراهم سازد.

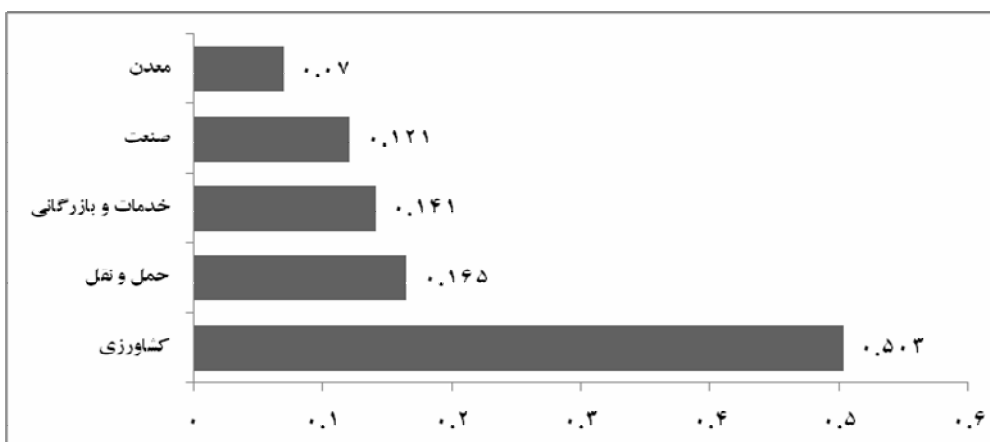
کمترین نقش در توسعه فضای مطلوب کسب و کار استان نیز مربوط به بخش خدمات و بازرگانی با سهم ۷/۵ درصد بوده است. نمودار (۶) اولویت‌بندی بخش‌های اقتصادی استان بر اساس معیار میزان اشتغال را نشان می‌دهد.



نمودار ۶. انتخاب بخش اقتصادی اولویت‌دار استان بر اساس معیار میزان اشتغال

رتبه اول و بیشترین سهم در توسعه استان از لحاظ معیار میزان اشتغال متعلق به بخش خدمات و بازرگانی با سهم ۴۲/۱ درصد می‌باشد. همسایگی با افغانستان و قرار گرفتن در محل تلاقی شاهراه‌های ارتباطی منطقه از مهم‌ترین عواملی هستند که می‌توانند در این بخش زمینه توسعه هرچه بیشتر استان را به‌ویژه در زمینه ایجاد اشتغال فراهم آورند.

پس از خدمات و بازرگانی، بخش کشاورزی با اختلاف نسبتاً قابل توجه و با سهم ۲۱/۷ درصد، رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. بخش صنعت با ۱۶/۷ درصد سومین رتبه را به خود اختصاص داده و رتبه چهارم نیز متعلق به بخش معدن با سهم ۱۰/۱ درصد می‌باشد. کمترین نقش در توسعه اشتغال استان نیز مربوط به بخش حمل و نقل با سهم ۹/۴ درصد بوده است. نمودار (۷) اولویت‌بندی بخش‌های اقتصادی استان بر اساس معیار تأمین امنیت پایدار را نشان می‌دهد.



نمودار ۷. انتخاب بخش اقتصادی اولویت‌دار استان بر اساس معیار تأمین امنیت پایدار

رتبه اول و بیشترین سهم در توسعه استان از لحاظ معیار تأمین امنیت پایدار متعلق به بخش کشاورزی با سهم ۵۰/۳ درصد می‌باشد. انجام فعالیت‌های کشاورزی و دامداری در نواحی مختلف استان و به‌ویژه مناطق مرزی موجب شده علیرغم همسایگی با کشور افغانستان خراسان جنوبی جزو امن‌ترین استان‌های کشور باشد.

پس از کشاورزی، بخش حمل‌ونقل با اختلاف قابل توجه و با سهم ۱۶/۵ درصد، رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. بخش خدمات و بازرگانی با ۱۴/۱ درصد سومین رتبه را داشته و رتبه چهارم نیز متعلق به بخش صنعت با سهم ۱۲/۱ درصد می‌باشد. کمترین نقش در تأمین امنیت پایدار استان نیز مربوط به بخش معدن با سهم ۷ درصد بوده است.

۱۱. بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، اگرچه بخش کشاورزی از نظر شاخص‌های کمی در رتبه اول قرار ندارد، اما بررسی روند و تغییرات تولید ناخالص داخلی، ارزش افزوده و ارزش ستانده استان خراسان جنوبی نشان می‌دهد که این بخش از میان سایر بخش‌های اقتصادی دارای بالاترین سهم از نظر تأمین ارزش افزوده استان می‌باشد؛ بنابراین نظر به اینکه بخش‌های کشاورزی و خدمات رشد قابل توجهی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی استان داشته‌اند توجه ویژه به این بخش‌ها به‌ویژه بخش کشاورزی و افزایش سرمایه‌گذاری در آنها منجر به افزایش توانمندی اقتصادی در استان می‌شود. علاوه بر این تغییرات میزان تولید در بخش‌های اقتصادی استان تأثیرپذیری تولید در بخش‌های اقتصادی از اعتبارات عمرانی را نشان می‌دهد، به‌طوری‌که از سال ۱۳۸۶ با کاهش اعتبارات جاری و افزایش اعتبارات عمرانی، مقدار ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی با نرخ رشد بیشتری افزایش یافته است.

طبق نتایج تحقیق حاضر، بخش کشاورزی توانسته در ۳ معیار فضای مطلوب کسب و کار، تأمین امنیت پایدار و توسعه بخش تعاون در استان رتبه اول را از نظر تصمیم‌گیرندگان کسب نماید که در این بین معیار فضای مطلوب کسب و کار مهم‌ترین معیار و معیار تأمین امنیت پایدار رتبه سوم اهمیت را در راستای تحقق اهداف توسعه‌ای استان داشته‌اند. همچنین در معیارهای میزان اشتغال، بهره‌گیری از موقعیت اقلیمی، ایجاد و توسعه زنجیره تولید و مزیت‌نسبی، این بخش در جایگاه دوم اهمیت قرار داشته که معیار اشتغال بیشترین اهمیت را در بین معیارهای کمی و رتبه دوم اهمیت در بین کل معیارها را در راستای اولویت‌بندی بخش‌ها دارا می‌باشد. در معیارهای ارزش افزوده و مصرف واسطه نیز بخش کشاورزی رتبه سوم را به‌دست آورده است و تنها معیاری که این بخش نتوانسته جایگاه مناسبی در آن کسب نماید، بهره‌وری عوامل تولید بوده که پایین‌ترین رتبه مربوط به کشاورزی بوده و می‌تواند در راستای

افزایش بهره‌وری در این بخش کلیدی استان، به‌ویژه در رابطه با منابع محدود آب تمهیدات لازم اندیشیده شود که در این مورد تسطیح و یکپارچه‌سازی اراضی خرد و اجرای طرح‌های آبیاری تحت فشار با مطالعات کارشناسی می‌تواند کارگشا باشد.

از نظر شاخص اشتغال، بخش‌های خدمات و بازرگانی و کشاورزی در رتبه اول و دوم قرار گرفته و دارای اولویت می‌باشند. بررسی تحولات اشتغال استان نشان می‌دهد که میزان اشتغال در دوره (۱۳۹۰-۱۳۸۵) روند افزایشی داشته است. سهم اشتغال در بخش کشاورزی در سال ۱۳۹۲ به ۳۶/۷ درصد رسیده که نشان می‌دهد بیش از $\frac{1}{3}$ افراد شاغل استان در این بخش قرار دارند.

در خصوص شاخص‌های کیفی که آنها نیز بدون ملاحظه عملکرد واقعی بخشی و به‌عنوان یک معیار کلی و انتزاعی معرفی گردیده‌اند، بخش‌های کشاورزی و معدن حائز اولویت‌های نخست می‌باشند، به‌طوری‌که برای ارتقا و بهبود شاخص‌های فضای کسب و کار، توسعه بخش تعاون و ایجاد و توسعه امنیت پایدار در استان خراسان جنوبی بخش کشاورزی از نظر افراد نمونه قابلیت و پتانسیل بیشتری داشته است، در حالی که از منظر استفاده بهینه از موقعیت جغرافیایی بخش معدن در جایگاه نخست بین پنج بخش مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین از نظر قابلیت ایجاد و توسعه زنجیره تولید و ارزش، بخش‌های معدن و کشاورزی در استان حائز رتبه‌های اول و دوم می‌باشند. ضرورت فراوری مواد معدنی و پرمیز از خام‌فروشی مواد معدنی و توجه به استقرار صنایع فراوری محصولات کشاورزی و ایجاد مجتمع‌های کشت و صنعت می‌تواند نظر افراد نمونه را برای تثبیت جایگاه این بخش‌ها در رتبه‌های داده شده تأمین نماید.

نکته قابل توجه در خصوص معیارهای کیفی، برخورداری همه بخش‌ها از رتبه‌های برتر (اول و دوم) در حداقل یک معیار می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که توزیع رتبه‌های برتر در معیارهای کیفی گسترده‌تر از معیارهای کمی بوده است. نکته مهم دیگری که از این گشتاور می‌توان استنباط نمود این است که همه بخش‌های اقتصادی استان حداقل در یک معیار دارای اولویت برتر می‌باشند. با توجه به الزامات برنامه پنجم توسعه و اسناد بالادستی توسعه استان مبنی بر ارتقای شاخص‌های کیفی مورد نظر این پژوهش و نظر به اینکه قابلیت و اولویت بخش‌های اقتصادی استان در بهبود هر کدام از شاخص‌های کیفی متفاوت است، لازم است سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه استان ابتدا معیار دارای اولویت را انتخاب و سپس براساس آن سیاست‌های حمایتی از توسعه بخش‌های اقتصادی استان بر بخشی متمرکز گردد که در آن معیار دارای اولویت بیشتری است.

بر اساس اولویت‌بندی معیارهای پژوهش، معیار فضای مطلوب کسب و کار بیشترین اولویت را از نظر تصمیم‌گیرندگان داشته است. به عبارت دیگر افراد نمونه ارتقا و بهبود شاخص‌های فضای کسب و کار را اولویت نخست توسعه استان قلمداد نموده‌اند. از آنجایی که بخش کشاورزی دارای اولویت اول در این معیار می‌باشد،

بنابراین بررسی بهبود شاخص‌های فضای کسب‌وکار استان و اقدامات و سیاست‌های حمایتی در این بخش مورد تأکید بیشتری می‌باشد. علاوه بر بخش کشاورزی، بخش صنعت نیز در بهبود فضای کسب‌وکار دارای اولویت می‌باشد؛ بنابراین بهبود فضای کسب‌وکار استان مستلزم توجه بیشتر مدیران و سیاستگذاران به این بخش می‌باشد. این بخش در معیارهای بهره‌وری عوامل تولید و مصرف واسطه رتبه اول و از نظر فضای مطلوب کسب‌وکار و نیز ارزش افزوده رتبه دوم را در بین بخش‌ها کسب نموده است. همچنین از لحاظ میزان اشتغال، بهره‌گیری از موقعیت اقلیمی، ایجاد و توسعه زنجیره تولید، مزیت‌نسی و توسعه بخش تعاون در استان حائز رتبه سوم می‌باشد و تنها در معیار تأمین امنیت پایدار رتبه چهارم را کسب کرده است. با توجه عامل کمبود آب از یک سو و رشد فزاینده صنعت استان از سوی دیگر، انتظار می‌رود که انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به صنعت موجب افزایش بهره‌وری گردد. در بخش صنعت نظر به محرومیت استان، دوری از مرکز و با وجود اینکه تا چند دهه پیش این بخش در منطقه جنوب خراسان رشد چندانی نیافته بود، اما با تقسیم خراسان بزرگ و تأسیس استان خراسان جنوبی این بخش از رشد فزاینده‌ای برخوردار گردید؛ به‌طوری‌که احداث شهرک‌ها و مناطق صنعتی و کارخانجات صنعتی کوچک و بزرگ در مرکز استان و شهرستان‌ها توانست سهم قابل توجهی (نزدیک به $\frac{1}{3}$) از جمعیت شاغل استان را به خود جذب نماید. علاوه بر این، پهنه وسیع استان و عدم وجود محدودیت‌های زیست‌محیطی و یا قانونی دست‌وپاگیر زمینه را برای توسعه این بخش مهیاتر نموده است.

بخش خدمات و بازرگانی به‌عنوان سومین بخش تأثیرگذار بر توسعه استان در ۲ معیار میزان اشتغال (دومین معیار مهم پژوهش) و ارزش افزوده رتبه اول را داشته، در معیارهای مصرف واسطه و توسعه بخش تعاون رتبه دوم را کسب نموده و نیز رتبه سوم را از لحاظ تأمین امنیت پایدار دارا می‌باشد. این بخش با توجه به قرار گرفتن استان در شاهراه ارتباطی منطقه و نیز همسایگی با کشور افغانستان توانسته سهم مناسبی از اشتغال و تأمین ارزش افزوده در اقتصاد استان را به خود اختصاص دهد.

بخش معدن به‌عنوان چهارمین بخش مؤثر در توسعه استان توسط تصمیم‌گیرندگان رتبه‌بندی شده است. علیرغم اینکه این بخش در معیارهای بهره‌گیری از موقعیت اقلیمی استان، ایجاد و توسعه زنجیره تولید و مزیت‌نسی رتبه اول و در بهره‌وری عوامل تولید رتبه دوم را کسب نموده، اما از حیث معیارهای مهم پژوهش رتبه چندان مناسبی نداشته است؛ به‌طوری‌که در معیار فضای مطلوب کسب‌وکار رتبه سوم، میزان اشتغال رتبه چهارم و تأمین امنیت پایدار رتبه پنجم را به‌دست آورده است. با این حال، وجود ذخایر غنی معدنی در استان موجب شده این بخش به‌صورت بالقوه قابلیت جذب نیروی کار و ایجاد ارزش افزوده بیشتر به‌ویژه در زمینه فراوری مواد معدنی را داشته باشد.

بخش حمل‌ونقل نیز به‌عنوان آخرین بخش از نظر نقش در توسعه استان و در اکثر معیارها به‌ویژه در معیارهای فضای مطلوب کسب‌وکار و میزان اشتغال که جزو مهم‌ترین آنها می‌باشند، رتبه چهارم و یا پنجم را کسب نموده است. تنها در معیارهای تأمین امنیت پایدار و بهره‌وری عوامل تولید (به‌ترتیب با رتبه‌های دوم و سوم) رتبه آن نسبتاً مناسب بوده است.

۱۲. پیشنهادات

۱-۱۲. پیشنهادات راهبردی

- نظر به اینکه بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات و بازرگانی در زمینه توسعه استان حائز رتبه‌های اول تا سوم می‌باشند، پیشنهاد می‌گردد در هنگام برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در جهت دستیابی به اهداف توسعه‌ای، تمرکز بر بخش‌های فوق در جهت تقویت و توسعه آنها و بهبود نقش آنها در اقتصاد استان مدنظر کلیه مدیران و سیاستگذاران استان چه در سطوح خرد و چه در سطح کلان قرار گیرد.

- نتایج این تحقیق نشان می‌دهد از میان معیارهای مورد بررسی، ۳ معیار فضای مطلوب کسب‌وکار، میزان اشتغال و تأمین امنیت پایدار بیشترین نقش را در دستیابی به هدف پژوهش دارا می‌باشند، به‌طوری‌که در مجموع بیش از ۵۰ درصد آن را پوشش می‌دهند. بنابراین اتخاذ سیاست‌هایی که ضمن بهبود وضعیت شاخص‌های فوق در استان بتوانند بر سایر معیارها نیز تأثیر مثبت بگذارند و یا دست‌کم اثرات منفی بر روی آنها نداشته باشند، زمینه توسعه استان را هرچه بیشتر فراهم خواهند نمود.

۲-۱۲. پیشنهادات اجرایی

۱-۲-۱۲. با رویکرد بهبود شاخص‌های فضای کسب‌وکار

از آنجایی‌که بر اساس یافته‌های این تحقیق معیار فضای مطلوب کسب‌وکار مهم‌ترین معیار در راستای تحقق اهداف توسعه‌ای استان بوده است و مواد (۷۸-۷۰) قانون برنامه پنجم توسعه را نیز به خود اختصاص داده که بیانگر اهمیت این شاخص می‌باشد، هر سیاستی که موجب بهبود این شاخص‌ها گردد می‌تواند نقش مهمی را در توسعه استان ایفا نماید. در زیر پیشنهاداتی در خصوص سیاست‌های بهبود محیط کسب‌وکار ارائه می‌گردد:

- پایش دوره‌ای و مستمر شاخص‌های فضای کسب‌وکار استان و مقایسه آنها با استان‌های دیگر و با شاخص‌های ملی و تعیین اهداف میان‌مدت و بلندمدت برای ارتقای شاخص‌های مذکور در اجرای ماده (۴) قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار

- تسهیل صدور مجوزهای مورد نیاز برای راه‌اندازی کسب‌وکار به شکلی که تعداد مراحل، مدت‌زمان و هزینه کسب مجوزها را به حداقل برساند.
- ایجاد انعطاف برای حل اختلافات و همسو کردن منافع کارفرمایان و کارگران
- تقویت بیمه بیکاری به‌عنوان بخشی از تأمین اجتماعی و شغلی کارگران با رویکرد افزایش پوشش و گسترش بیمه بیکاری
- تقویت تشکلهای کارگری و کارفرمایی
- تجدیدنظر در روال اداری رسیدگی به درخواست مشتریان برای اخذ تسهیلات بانکی در جهت کاهش در مراحل، هزینه‌ها و زمان مورد نیاز
- حمایت مالی از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی با موضوعات مرتبط با شاخص‌های فضای کسب‌وکار استان
- تشکیل شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی در استان با ترکیب اعضای متناظر با اشخاص مصرح ذیل ماده (۷۵) قانون برنامه پنجم توسعه در راستای اتخاذ تصمیمات مؤثر و ارائه راهکارهای اجرایی در زمینه بهبود فضای کسب‌وکار استان
- تشکیل بانک اطلاعاتی واحدهای تولیدی مشکل‌دار، احصاء مشکلات و مطالعه علل بروز مشکل و یا فعالیت کمتر از ظرفیت اسمی، همچنین بررسی میزان و علل انباشت بدهی واحدهای تولیدی استان به بانک‌ها به تفکیک اصل، فرع و جرایم در هریک از بخش‌های اقتصادی استان

۱۲-۲-۲. با رویکرد ایجاد اشتغال

- انجام مطالعه، امکان‌سنجی و تمهید زیرساخت‌های لازم جهت تشکیل و ایجاد خوشه‌های صادرات‌گرا با اولویت محصولات راهبردی استان و ایجاد ارزش‌افزوده و اشتغال و جلوگیری از خام‌فروشی به‌ویژه در زمینه محصولات کشاورزی
- تخصیص اعتبار مکفی برای نوسازی ماشین‌آلات کشاورزی و مکانیزاسیون بر مبنای اقلیم و شرایط استان و همچنین قابلیت و توانایی کشاورزی (از محل اعتبارات صندوق توسعه ملی با تعیین سهم استان)
- یکی از راه‌های ارزان و مناسب برای اشتغال‌زایی، توسعه صنایع دستی است که می‌تواند موجب کسب ارزش‌افزوده فراوان گردیده و به‌ویژه در کنار فعالیت‌های کشاورزی که عمدتاً جنبه فصلی دارند، می‌تواند موجب سودآورتر شدن اینگونه فعالیت‌ها گردیده و حتی زمینه مهاجرت معکوس و رونق گرفتن زندگی روستایی را فراهم نماید.

- حمایت از ایجاد تعاونی‌های خانوادگی و نیز خوشه‌های کسب و کار به‌ویژه در زمینه مشاغل خانگی و صنایع دستی و در جهت تأمین مواد اولیه اینگونه فعالیت‌ها و نیز بازاریابی و فروش محصولات می‌تواند موجب ایجاد رونق بیشتر در این مشاغل گردیده و زمینه اشتغال افراد بیشتری را فراهم نماید.

- تأسیس صندوق حمایت از محصولات کشاورزی راهبردی استان می‌تواند بستر حمایتی مطلوبی از بخش مزیت‌دار استان باشد.

- تهیه بانک اطلاعاتی از کارآموزان فنی و حرفه‌ای استان و رصد اشتغال آنان پس از اتمام دوره‌های کارآموزی جهت بازنگری در کمیت و کیفیت دوره‌های آموزشی ارائه شده در استان و تغییر یا اصلاح آنها متناسب با تقاضای نیروی کار

- تدوین دستورالعمل مشخص با ضمانت اجرایی کافی برای اولویت قرار دادن خرید کالاهای تولیدی استان توسط مسئولین خرید دستگاه‌های دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی

۱۲-۲-۳. با رویکرد تأمین امنیت پایدار

- نظر به همسایگی استان با کشور افغانستان، تمهید و تخصیص امکانات به نقاط روستایی مرزی در جهت حفظ جمعیت در این مناطق با رویکرد رونق کشاورزی و ایجاد درآمد پایدار می‌تواند نقش غیرقابل انکاری را در تأمین امنیت پایدار استان ایفا نماید. به‌ویژه اینکه بخش کشاورزی نظر به دارا بودن بیشترین سهم از تعداد شاغلان استان نقش بسزایی در تأمین امنیت داخلی نیز بر عهده دارد.

- ارتقای سطح ایمنی حمل و نقل جاده‌ای منطبق با استانداردهای جهانی می‌تواند ضمن ارتقای امنیت در این بخش و بهبود زیرساخت‌ها در زمینه حمل و نقل بستر لازم برای جلب و جذب سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌های اقتصاد استان و در نتیجه توسعه هرچه بیشتر آن مهیا نماید.

- مطالعه دقیق، کارشناسی و علمی بهره‌وری منابع آب استان و بررسی نحوه و میزان برداشت از مخازن و اتخاذ راهبردهای مناسب برای تغییر الگوی فعلی استفاده از منابع آب استان

منابع

- آمار و اطلاعات دریافتی از دستگاه‌های اجرایی استان.
اداره کل گمرکات استان به نشانی <http://skcu.ir>.
- بختیار، صادق، دهقانی‌زاده، مجید و علیرضا رعیتی (۱۳۹۱)، "سنجش وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان یزد با بهره‌گیری از رویکردهای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه و تحلیل عاملی"، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، شماره ۳، صص ۱۵۹-۱۳۱.
- بهرامی، رحمت‌اله و خلیل عطار (۱۳۹۰)، "تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی"، *فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی*، شماره ۱۶، صص ۱۴-۱.
- پریزادی، طاهر، اسدی، صالح، مولایی‌قلیچی، محمد و حجت شیخی (۱۳۹۱)، "بررسی و تحلیل قابلیت‌های مزایای نسبی توسعه منطقه‌ای در بنادر شمال ایران با استفاده از تلفیق تکنیک‌های TOPSIS و ELECTRE"، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، شماره ۶، صص ۲۹-۱۵.
- تقوایی، مسعود و ناصر بای (۱۳۹۱)، "سنجش میزان بهره‌مندی شهرستان‌های استان گلستان با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)"، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۳، پیاپی ۱۰.
- توکلی، مرتضی، فاضل‌نیا، غریب و علی‌اکبر گنجعلی (۱۳۸۸)، "کاربرد فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی در تعیین اولویت بخش‌های اقتصادی: مطالعه موردی شهرستان نیشابور"، *فصلنامه روستا و توسعه*، شماره ۴، صص ۹۸-۷۷.
- حیدری‌ساربان، وکیل (۱۳۸۹)، "اولویت‌بندی دهستان‌های شهرستان مشکین‌شهر بر حسب سطوح توسعه کشاورزی"، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، شماره ۴۰، صص ۹۶-۷۵.
- دلبری، سیدعلی و سیدعلیرضا داودی (۱۳۹۱)، "کاربرد تکنیک فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) در رتبه‌بندی شاخص‌های ارزیابی جاذبه‌های توریستی"، *مجله تحقیق در عملیات و کاربردهای آن*، شماره ۲، پیاپی ۳۳، صص ۷۹-۵۷.
- رضایی، محمدرضا (۱۳۹۲)، "ارزیابی تاب‌آوری اقتصادی و نهادی جوامع شهری در برابر سوانح طبیعی"، *دوفصلنامه علمی و پژوهشی*، شماره ۳.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و هدیه وجدانی طهرانی (۱۳۷۸)، "کاربرد روش AHP در ارزیابی برنامه‌های بخش بازرگانی"، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۲۱، ص ۱۸۱.
- زنگی‌آبادی، علی، علی‌زاده، جابر و مهدی احمدیان (۱۳۹۰)، "تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان ذریابجان شرقی با استفاده از مدل AHP و TOPSIS"، *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال چهارم، شماره ۱، ص ۲.
- سازمان صنعت، معدن و تجارت استان خراسان جنوبی (۱۳۹۱)، *سند راهبردی توسعه بخش بازرگانی استان*.
- سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان جنوبی (۱۳۸۹)، *برنامه عملیاتی بخش کشاورزی استان خراسان جنوبی*.
- سالنامه آماری استان، سال‌های مختلف.
- سالنامه آماری کشور، سال‌های مختلف.
- سایت اینترنتی مرکز آمار ایران به نشانی www.amar.org.ir.
- صامتی، مجید، سامتی، مرتضی و مریم اصغری (۱۳۸۲)، "اولویت‌های توسعه بخش صنعت استان اصفهان بر اساس روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)"، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۲۷، صص ۹۰-۵۹.

طیپی، محمدرضا و زهرا عباسی (۱۳۹۰)، "روش تدوین نقشه جامع علمی فناوری بخش بازرگانی"، *دوماهنامه بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۵۰، ص ۳۰.

عاملی، احمد و مهدی صادقی‌شاهدانی (۱۳۹۲)، "تعیین سهم بهینه یارانه انرژی در زیربخش‌های اقتصادی با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و برنامه‌ریزی خطی فازی (FLP)"، *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، شماره ۱۱، صص ۷۷-۹۸.

عینالی، جمشید، عباسی، حسن و محمد ولانی (۱۳۹۰)، "کاربرد مدل تحلیل سلسله‌مراتبی در تعیین اولویت بخش‌های اقتصادی به‌منظور توسعه روستایی، مطالعه موردی: دهستان‌های شهرستان طارم علیا"، *پنجمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام دانشگاه تبریز*.

متن قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران.

مرادی، محمدعلی و بیژن صفوی (۱۳۸۴)، "رشد بهره‌وری کل عوامل بخش بازرگانی ایران"، *فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین*، شماره ۲، صص ۳۰-۴۸.

Bhatia, V. K & S. C. RAI (2004), *Evaluation of Socio-Economic Development in Small Areas*, New Dehli.

Bowen, William M. (1993), "AHP: Multiple Criteria Evaluation in Klosterman", New Brunswick: Center for Urban Policy Research.

Chadwich, G. F. (1971), *A Systems View of Planning*, Oxford: Pergamon Press.

Emrah Önder & Altan Doğan (2013), "Ranking the Strategies of Human Resource Management During Economic Crisis Period Using Analytic Hierarchy Process", *Advances in Management & Applied Economics*, Vol. 3, No. 5, PP. 57-72.

Jaemin Cho & Jaeho Lee (2013), "Development of a New Technology Product Valuation Model for Assessing Commercialization Opportunities Using Delphi Method and Fuzzy AHP Approach", *Expert Systems with Applications*, Vol. 40, Issue. 13, PP. 5314-5330, October.

Nourry, M. (2008), "Measuring Sustainable Development: Some Empirical Evidence Ecological Economics", Vol. 67, PP. 441-456.